

آزمون عمان ودست برتر ایران

سرمقاله | ۲



آزمون عمان و دست برتر ایران

سرمقاله



با خبری که رئیس جمهور آمریکا دوشنبه شب در کاخ سفید اعلام کرد، سیر اتفاقات میان دو کشور وارد مرحله‌ای تازه و پُرشتاب‌تر از پیش شد. ترامپ که میزبان نخست وزیر جنایت کار رژیم صهیونیستی بود، به خبرنگاران حاضر در اتاق بیضی کاخ سفید گفت که روز شنبه یک نشست بسیار بزرگ بین آمریکا و ایران برگزار خواهد شد و این دیدار به صورت مستقیم و در سطح عالی برگزار می‌شود. در ادامه، او همان ادعای تکراری را پیش کشید و مدعی شد با اینکه توافق برای ایران خوب است اما اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، تبعات بسیاری بدی برای ایران خواهد داشت؛ یعنی همان سیاست کهنه‌ی چماق و هویچ!

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه‌ی کشورمان که راهی الجزایر شده بود، چند ساعت بعد در حساب کاربری خود در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: «ایران و ایالات متحده روز شنبه در عمان برای گفت و گوهای غیرمستقیم در سطح مقامات عالی ملاقات خواهند کرد. این یک فرصت و نیز یک آزمون است. توپ در زمین آمریکا است.» خبرهای تکمیلی بعدی نشان داد این مذاکرات قرار است با حضور آقای سید عباس عراقچی از سوی ایران و استیو ویتکاف، فرستاده‌ی ویژه آمریکا در امور غرب آسیا، انجام بشود. بلافاصله پس از اظهارات ترامپ، تحلیل‌ها، گمانه‌زنی‌ها و اظهار نظرهای زیاد و گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. رسانه‌های غربی و ضد انقلاب در این زمینه تلاش بسیاری کردند و با انتشار انبوهی از مطالب مختلف، سعی کردند این گونه القا کنند که جمهوری اسلامی از مواضع قبلی خود درباره‌ی مذاکره با آمریکا عقب نشینی کرده و فشارهای دولت ترامپ به ایران جواب داده است. اعلام ناگهانی این خبر از سوی ترامپ نیز دست‌مایه‌ی موج گسترده‌ای از فضا سازی‌های رسانه‌ای و شبهات مختلف شد.

چرا ترامپ به غافلگیری علاقه دارد؟

موضع‌گیری غافلگیرانه‌ی ترامپ با موضوع مذاکره با ایران، در دوشنبه شب، موضوع جدیدی نبود. او درباره‌ی ارسال نامه به جمهوری اسلامی ایران نیز همین روش را در پیش گرفت و به شکلی کاملاً غافلگیرکننده و ناگهانی، در یک مصاحبه‌ی تلویزیونی گفت که به ایران نامه نوشته و خواهان مذاکره است؛ نامه‌ای که چندین روز بعد به ایران رسید!

چنین برخوردهایی با این موضوعات حساس، در عالم دیپلماسی، چندان مرسوم نیست و می‌توان

گفت خارج از قواعد کلاسیک دنیای دیپلماسی و روابط بین الملل است؛ اقامت ترامپ علاقه دارد تقریباً در همه‌ی زمینه‌ها با سایرین فرق داشته باشد و به جای پیش بردن امور این چنینی از کانال‌های رایج، خود وارد گود شده و مستقیماً نقش آفرینی کند. فارغ از این نکته که ریشه در روان شناسی سیاسی ترامپ دارد، هدف اصلی او از این بازی‌های رسانه‌ای اثرگذاری بر افکار عمومی به طور کلی، و بر ایرانیان به طور ویژه و اختصاصی است.

این موضوع از دید رهبر انقلاب نیز دور نمانده و ایشان در ماجرای ارسال نامه، به این هدف اشاره کرده و فرمودند: «اینکه رئیس جمهور آمریکا میگوید ما آماده هستیم با ایران مذاکره کنیم و به مذاکره دعوت [میکند] و ادعا میکند که نامه‌ای فرستاده که البته به ما نرسیده؛ یعنی



اگرچه طرف آمریکایی می‌کوشد

این گونه وانمود کند که در این

هماوردی دست برتر دارد، اما

واقعیت آن است که تا اینجا کار و

در عمل، دست برتر با ایران است.

این برتری فعلاً در سه مورد مشهود

است: لزوم محدود بودن مذاکرات به

پرونده‌ی هسته‌ای، محل مذاکرات، و

بالاخره غیرمستقیم بودن مذاکرات.



به من نرسیده به نظر من این فریب افکار عمومی دنیا است؛ این معنایش آن است که ما اهل مذاکره ایم، می‌خواهیم مذاکره کنیم، صلح کنیم، دعوا نباشد، ایران حاضر به مذاکره نیست. ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

اظهارات دوشنبه شب ترامپ را می‌توان ادامه‌ی همین خط دانست؛ خطی که سعی دارد به افکار عمومی دنیا و همین‌طور داخل ایران القا کند که آمریکا به دنبال مذاکره‌ی جدی و حل و فصل مسائل بین دو کشور است، اما این جمهوری اسلامی است که علاقه‌ای به این موضوع ندارد.

چرا با مذاکره‌ی غیرمستقیم موافقت شد؟

یکی از شبهاتی که دشمن ساعتی پس از اظهارات ترامپ مشغول انتشار و شایع‌سازی آن شد، این است که

جمهوری اسلامی ایران در برابر فشارها و تهدیدهای دولت ترامپ عقب نشینی کرده و موافقت با مذاکره نتیجه‌ی چنین فرایند و محاسباتی است. موضع اخیر وزیر امور خارجه‌ی آمریکا نیز در همین راستا قابل ارزیابی و تحلیل است.

دلیل موافقت ایران با مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا چیست؟ نگاهی به رخدادها و مواضع دولت آمریکا نشان می‌دهد آمریکایی‌ها پس از خروج از برجام همیشه به دنبال توافق فراهسته‌ای بوده‌اند. مذاکره‌ی غیرمستقیم با آمریکا برای احیای برجام، طی چند سال اخیر، هم در دولت آقای روحانی و هم در دولت شهید رئیسی در جریان بوده و جمهوری اسلامی از آن روی گردان نبوده است. آنچه مانع به نتیجه رسیدن مذاکرات بود، باج‌خواهی آمریکایی‌ها و طرح موضوعات فراهسته‌ای بود.

نیمه‌ی بهمن ماه سال ۱۴۰۳، ترامپ که تازه به کاخ سفید برگشته بود، یک سند رسمی را درباره‌ی ایران امضا کرد؛ سندی تحت عنوان «یادداشت ریاست جمهوری درباره‌ی امنیت ملی». در این سند، مانند گذشته، طیف مختلفی از ادعاها و باج‌خواهی‌ها درباره‌ی ایران مطرح شده است؛ از مسئله‌ی هسته‌ای گرفته تا توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران و مسائل منطقه‌ای. عقل و منطق حکم می‌کند که در چنین شرایطی، باید محکم در برابر دشمن ایستاد و تسلیم و سازش تحت عنوان «مذاکره» را رد کرد.

تهدیدات نظامی آمریکا و تحرکات ایدئولوژیک این کشور نیز نتوانست تزلزلی در محاسبات تهران ایجاد کند. ماجرا از جایی متفاوت شد که ترامپ، در نامه‌ی خود، به نوعی از مواضع پیشین خود عقب نشینی کرده و نسبت به محدود شدن مذاکرات به موضوع هسته‌ای چراغ سبز نشان داد. این موضوع در کنار تلاش سنگین دولت آمریکا برای مقصر جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی بالا گرفتن تنش‌ها نزد افکار عمومی دنیا و به خصوص مردم کشورمان، باعث شد تا جمع‌بندی برپاسخ جمهوری اسلامی به نامه باشد؛ پاسخی که هم راه را برای تعامل در چهارچوب غیرمستقیم بودن مذاکرات باز گذاشت و هم موضعی قاطع در برابر یافه‌گوئی‌های ترامپ بود.

دست برتر جمهوری اسلامی

اگرچه طرف آمریکایی می‌کوشد این گونه وانمود کند که در این هماوردی دست برتر را دارد، اما واقعیت آن است که تا اینجا کار و در عمل، دست برتر با ایران است. این برتری فعلاً در سه مورد مشهود است: لزوم محدود بودن مذاکرات به پرونده‌ی هسته‌ای، محل مذاکرات، و بالاخره غیرمستقیم بودن مذاکرات.

در خصوص محدود بودن مذاکرات به موضوع هسته‌ای، اگرچه دولت آمریکا به نوعی عقب نشینی کرده اما این به هیچ عنوان نباید و نمی‌تواند باعث خوش بینی و، به دنبال آن،

ادامه از صفحه ۲ ذوق زدگی شود. آمریکایی‌ها به

دروغ و بدعهدی عادت دارند و ممکن است با شروع مذاکرات و یا در میانه‌ی آن، مسائل غیر مرتبطی را پیش بکشند. غیر مستقیم بودن مذاکرات باعث می‌شود در صورت باج‌خواهی طرف مقابل و پیش کشیدن موضوعات غیر مرتبطی مانند توان دفاعی و مسائل منطقه‌ای، ایران بتواند بدون هزینه یا حداقل با هزینه‌ای بسیار کمتر، خود را کنار بکشد. علت فضا سازی و دروغ‌گویی ترامپ در زمینه‌ی نوع مذاکرات نیز به همین مسئله برمی‌گردد. او سعی دارد با ایجاد عملیات روانی و فشار رسانه‌ای، ایران را مجبور به مذاکرات مستقیم کند، در حالی که طرف آمریکایی عملاً با غیر مستقیم بودن مذاکرات موافقت کرده است.

دو هشتاداردی

به هر حال، مذاکرات غیر مستقیم ایران و آمریکا از شنبه‌ی هفته‌ی آینده در عمان آغاز می‌شود و فعلاً جمهوری اسلامی ایران دست برتر را دارد، اما باید به دو نکته‌ی بسیار مهم و جدی توجه کرد. نخست آنکه چون تجربه نشان داده آمریکایی‌ها به دلیل روحیه و منش استکباری و زورگویی

خود، حاضر به مذاکره و توافقی عادلانه نیستند. پس عقل و درایت حکم می‌کند که از هرگونه ذوق زدگی در سطح مسئولان، رسانه‌ها و جامعه باید خودداری کرد. ذوق زدگی و حتی خوش بینی در این زمینه فرستادن پیام غلط به دشمن است و تیم ایرانی را نیز تحت فشار مضاعف و بیجا قرار می‌دهد.

نکته‌ی دوم آنکه اگر شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که در آینده توافقی میان دو کشور حاصل شود، این توافق حلال مشکلات اقتصادی ایران نخواهد بود. دل بستن به توافقی خارجی که یک طرف آن آمریکای بدعهد است، امید داشتن به «نقطه‌های خیالی» است. رفع مشکلات اقتصادی کشور همت و تلاشی مستمر و عمیق از سوی مسئولان و همراهی مردم را می‌طلبد. حدود یک دهه پیش و در جریان مذاکرات منتهی به برجام، ما از این ناحیه ضربه‌های زیاد و متعددی را متحمل شدیم. بزرگ‌نمایی ماجرا و گره زدن مسائل ریز و درشت کشور به مذاکرات و معطل کردن تصمیمات و برنامه‌ها و منوط کردن آن‌ها به نتیجه‌ی مذاکرات، خسارت‌های هنگفتی را به کشور وارد کرد و باعث شد دهه‌ی ۹۰ به دهه‌ای خاص و عبرت‌آموز تبدیل شود. به هیچ عنوان عاقلانه و شایسته نیست که

بار دیگر همان اشتباهات و هزینه‌های هنگفت تکرار شود. هرگونه ساده‌سازی درباره‌ی مذاکرات و توافق و نتایج احتمالی اقتصادی آن، مضروب است. شنبه، در خوشبینانه‌ترین حالت، آغاز راهی سخت و پُرپیچ و خم است؛ در این مسیر باید اتحاد و انسجام داشت.

صیانت از افکار عمومی

نکته‌ی مهم دیگر آنکه ترامپ نشان داده در تعامل با ایران روی بازی با افکار عمومی حسابی ویژه باز کرده و خود، شخصاً وارد میدان شده است. با آغاز مذاکرات در عمان، به احتمال قوی، این بازی رسانه‌ای و روانی تشدید نیز خواهد شد. در چنین شرایطی، مسئولان باید برای این قضیه تدبیر کرده و با خلأ قیت، شهادت و درایت، بازی طرف مقابل را به هم زده و خود مبتکر باشند و نه بازیگری منفعل و صرفاً واکنشی. مردم نیز باید توجه داشته باشند که کشور و مسئولان - به خصوص تیم مذاکره‌کننده - با شرایطی خاص و پیچیده مواجه است، زیرا دشمن می‌کوشد افکار عمومی را نسبت به مسئولان بدگمان کند و شبهات مختلفی را با اهداف گوناگون ترویج کند. ■ پایان سرمقاله

روایت

برای او که بهشت، تنها بهایش بود؛

در ایام سالروز شهادتش...

قرار شد نماز سید رضی را آقا بخوانند. بامداد پنج شنبه هفتم دی ماه ۱۴۰۲، در یک روز سرد زمستانی، خانواده شهید به همراه عده‌ای از فرماندهان و سرداران منتظر بودند. «او» هم گوشه‌ای ایستاده بود. ساکت و آرام. آقا که تشریف آوردند، چند قدمی هم عقب‌تر از آن جاکه ایستاده بود، رفت. آقا بعد از تفقد و تسلیت به خانواده شهید سید رضی، مشغول صحبت با برخی فرماندهان شدند. «او» باز هم عقب‌تر رفت و دور شد. سرمای زمستان تهران، بهانه خوبی به دستش داده بود تا خودش را خوب و زیاد بپوشاند. کلاهی بر سر تا روی چشم‌ها گذاشته و دکمه‌های اورکت را هم تا بالا بسته بود.

در بین صحبت آقا با فرماندهان، رهبر از زبان یکی از سرداران، متوجه حضور «او» شدند. با تأکید جویا شدند: مگر «او» اینجا است؟ گفتند: بله و زود «او» را صدا زدند تا جلو بیاید. با آرامش و سکوت و تواضع جلو آمد. سلام و دست‌بوسی کرد و احوال‌پرسی مختصری. بعد خیلی تند و سریع عقب رفت؛ عقب‌تر از قبل. انگار نمی‌خواست حتی به اندازه ذره‌ای دیده شود. نمی‌خواست زحمتی درست کند. نمی‌خواست به قدری کاهی هم بار باشد.

نماز را هم صف آخر خواند. دور و مخفیانه... انگار عادت کرده که حتی سروصدای کوچک و ریزی هم نداشته باشد. نماز تمام شد و «او» باز هم دور و غریب و تنها. حالا تابوت را بلند کردند برای تشییع تا بیرون بیت رهبری. «او» با چشم‌هایش یار و هم‌رزم دیرینه‌اش را بدرقه می‌کرد، گویا با همان چشم‌ها داشت با او حرف می‌زد و قرار و مدار می‌گذاشت، شاید هم قرار و مدارهای قبلی را یادآوری می‌کرد.

در همین بین، اهل دلی که در جمع بود به چند جوان و نوجوان اطرافش توصیه کرد: "بروید و خوب و سیر تماشايش کنید؛ شاید دیگر «او» را نبینید".

به آن بنده‌ی خدا عرض ادب کردم و گفتم: "از «او»

چه دیدید که چنین توصیه‌ای داشتید؟" گفت: "او مجسمه اخلاص است. به اندازه ذره‌ای اجازه بروز و ظهور نفس نمی‌دهد. کامل رامش کرده. با این همه کتوم و بی ادعاست!" بعد ادامه داد: "اما طولی نمی‌کشد... این اخلاص اجرش فقط یک چیز است".

سه ماه بعد، دوشنبه بیست و یک رمضان، سیزده فروردین ۱۴۰۳ بود که خبر بهشتی شدن «او» آمد. باز مسجل شد که بهشت را به بها بدهند؛ نه به بهانه!

«او»، شهید محمدرضا زاهدی، فرمانده و سردار بزرگ و بلند بالا امایی ادعای سپاه سرافراز اسلام و ایران بود.

* راوی: آقای مصباح باقری



سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ | سوره حشر، آیه ۱

خاصیت عملی تسبیح خداوند

تسبیح، یعنی تنزیه پروردگار از همه صفات نقص... تنزیه این خواهد بود که خدای متعال در نهایت کمال و قدرت و عظمت است، در نهایت علم و بصیرت و معرفت است؛ و انسانی که خود را بنده‌ی آن خدای مظهر کمال و مظهر عظمت میدانند، احساس پشت گرمی و دلگرمی میکند و میفهمد که متکی به یک نقطه‌ای است که این نقطه هرگز دچار ضعف و تزلزل نمیشود؛ لذا در حرکت خود به سوی نقطه‌ی کمال و به سوی آرمانهای عالی و شریف انسانی و اسلامی، بازوان او نیرومند، زانوان او قدرتمند، و دل او پُر امید میشود؛ تسبیح، خاصیتش این است؛ یعنی خاصیت عملی تسبیح این است.

● ۱۳۶۱/۴/۱۸ | (بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در جلسه تفسیر سوره حشر)

حدیث زندگی

دردفاع از مظلوم، اسلام مطرح نیست

[امیرالمومنین] به مالک اشتر در آن نامه‌ی معروف می‌نویسد... مردم دودسته‌اند: «اقاخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق»؛^(۱) یا برادر دینی تو هستی و یا در انسانیت، شریک تو؛ یعنی مثل تو انسانند. بنابراین برای امیرالمؤمنین، در دفاع از مظلوم و در احقاق حقوق انسان، اسلام مطرح نیست؛ مسلمان و غیرمسلمان دارای این حق هستند. ببینید این چه منطق والا و چه پرچم سربلندی است که امیرالمؤمنین در تاریخ برافراشته است! حال عده‌ای در دنیا اسم حقوق بشر را می‌آورند؛ دروغ محض، ریای محض؛ هیچ‌جا، حتی در کشورهای خودشان هم حقوق بشر را رعایت نمی‌کنند، چه برسد به سرتاسر دنیا! حقوق بشر به معنای حقیقی را، امیرالمؤمنین این‌گونه بیان و به آن عمل کرد. ● ۱۳۸۰/۰۹/۱۶ | ۱ نهج البلاغه، خطبه ۲۷

کلام امام، نقشه راه انقلاب

جهان‌خواران، مرزی جز عدول از هویت و ارزش‌های معنوی ما نمی‌شناسند



نکته مهمی که باید آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کنون و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی‌شناسند... اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان‌خواران او را به عنوان يك ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند. ● ۱۳۶۷/۴/۲۹ | امام خمینی

خطبه‌های انقلاب

شهید صدر امیدی برای آینده‌ی اسلام بود؛ باید از او الهام بگیریم

مرحوم آیت الله شهید صدر بدون شک یکی از چهره‌های برجسته‌ی جهان اسلام بود. صرفاً یک روحانی نبود، یک مجتهد فقط نبود، بلکه یک امیدی بود برای آینده‌ی اسلام و بخصوص برای آینده‌ی عراق و ملت عراق. یکی از آن شخصیت‌های کم نظیری بود که فقهات اسلامی را با اندیشه‌ی جدید و نوآوری در مسائل و با شجاعت و با دیانت و تقوا همراه داشت. این شهادتهایی که اینجور خونهای پاک در آن ریخته می‌شود - که در رأس همه‌ی آنها شهادت حسین بن علی علیه السلام در عاشورا است - باید همیشه زنده بماند و درس باشد، بایستی از او الهام بگیریم. ● ۱۳۶۶/۰۱/۲۱ | خطبه‌های نماز جمعه

منشور معنوی انقلاب

فرازی از وصیت‌نامه سردار رشید اسلام شهید احمد حجتی

طرفدار حقیقت باشید و آراء مختلف را با نظر امام تطبیق دهید



۱۳۶۱/۰۲/۰۴

مفقودالثر

منطقه عملیاتی

بیت المقدس - خرمشهر

دوستان، برادران، همزمان، اولیاء امور! برای اینکه مردم از راه راست منحرف نشوند نقطه نظرهای افراد را با نقطه نظرهای امام و اولیاء دین مقایسه کنید، هر کدام با نظر امام و ولایت فقیه موافق بود آنرا انتخاب کنید، همیشه فکر نکنید تمام حرفهای شما صحیح و حرفهای دیگران اشتباه است، لااقل ده درصد هم احتمال بدهید که دیگران صحیح فکر می‌کنند و شما اشتباه، طرفدار حقیقت باشید و به آراء و نظرات دیگران احترام بگذارید. در راه خدمت به ملت عزیز کوشش نمایید و ادامه دهنده راه شهداء باشید و هر کاری را با نام خدا و برای خدا شروع و به انجام برسانید.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح:

رهبر انقلاب در پاسخ به نامه ترامپ مجوز مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا را صادر کرده‌اند

سردار سرلشکر باقری: ترامپ به تازگی نامه‌ای برای رهبر انقلاب نوشت و پاسخ درخور خودش را هم با لحاظ تدابیر و اوامر ایشان دریافت کرد. تدابیر رهبر انقلاب بر این مبنا بود که ما آغازگر جنگ نیستیم، اما هرگونه تهدید را با تمام قوا پاسخ خواهیم داد.

تدابیر رهبر انقلاب بر این مبنا بود که مذاکره مستقیم نخواهیم کرد، اما مذاکره غیرمستقیم ایرادی ندارد چرا که ایران راه را نمی‌بندد و راه مذاکره غیرمستقیم را باز می‌گذارد تا اگر صادقانه حرکت کنید، بشود مذاکره کرد. ● باشگاه خبرنگاران جوان

به صرف کتاب

«در سایه قرن آمریکایی»

انتشارات: سروش

نویسنده: آلفرد مک‌کوی

۴۷۵



کتاب «در سایه‌های قرن آمریکایی: ظهور و افول قدرت جهانی ایالات متحده» نوشته‌ی آلفرد مک‌کوی به بررسی ظهور و افول قدرت جهانی آمریکا می‌پردازد. این کتاب در سه بخش اصلی به تحلیل تاریخ و فرهنگ آمریکایی و فراز و نشیب‌های قدرت ایالات متحده می‌پردازد و راه‌حل‌هایی را که آمریکا برای تسلط بر جهان در پیش گرفته است، مورد بررسی قرار می‌دهد. مک‌کوی نقش سازمان سیا و دولت مردان آمریکایی در قاچاق مواد مخدر در جنوب شرقی آسیا را افشا می‌کند و سناریوهای مختلفی را که ممکن است به زوال استیلای جهانی آمریکا منجر شود، مرور می‌کند.

در بخشی از کتاب، مک‌کوی به نقش مخفیانه سازمان سیا در قاچاق مواد مخدر در جنوب شرقی آسیا اشاره می‌کند. او توضیح می‌دهد که چگونه این سازمان به دنبال افزایش قدرت و نفوذ خود در مناطق مختلف جهان، از ابزارهای غیرقانونی و غیرانسانی استفاده کرده است. مک‌کوی با استفاده از اسناد محرمانه و مصاحبه‌های اختصاصی، تصویری تکان دهنده از پشت پرده‌های سیاست‌های جهانی آمریکا به تصویر می‌کشد که کمتر مورد توجه عموم قرار گرفته است. نویسنده این کتاب از تاریخ‌نگاران به نام است که چند دهه‌ی پیش کشفیات خود در مورد تجارت مواد مخدر توسط سی. آی. ای. در آسیای شرقی را به کنگره برد و ماجرا جنجال زیادی به پا کرد.